

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی گرایش اقتصاد محض

امکان سنجی منطقه‌گرایی و برآورد پتانسیل تجاری

بین ایران و کشورهای حوزه دریای خزر

استاد راهنما :

دکتر محمد نهاوندیان

استاد مشاور :

دکتر ابراهیم التجائی

پژوهشگر :

الهه معصوم زاده

اسفند ماه ۱۳۸۹

پاسکزاری

بدینوسیله از مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی و گروه مطالعات و پژوهشهای

بازرگانی خارجی که در جلسه شورای پژوهشی به تاریخ ۸۹/۴/۲۳ و به شماره قرارداد

۳۸۰۸۱۴۹۹۵۸۹ پژوهش حاضر را به تصویب رسانده و با حمایت معنوی و مالی، شرایط

و زمینه انجام این تحقیق را فراهم نموده، صمیمانه قدردانی می‌نمایم

بید از بهر زحمات قدردانی کرده پاسگذارم از....

جناب آقای دکتر محمد نهبوندیان، استاد راهنمای محترم، به خاطر تمام زحمات بی دریغ و راهنمایی های گرانقدرشان. بدون شک تمامی مراحل پژوهش از انتخاب موضوع تا زمان اتمام کار، مدیون راهنمایی ها و ارائه نقطه نظرات این استاد ارجمند می باشد.

جناب آقای دکتر ابراهیم التجائی، استاد مشاور محترم، که با سعه صدر در به سرانجام رساندن پایان نامه مرا یاری نموده و راه گشای مسیرم بودند. داور محترم پایان نامه، که زحمت داوری این پژوهش را تقبل و نکاتی را در جهت ارتقاء کیفیت پایان نامه بیان نموده و باعث تکمیل کار گردیدند.

خانواده ام، به خصوص پدر و مادر عزیزم که در تمام طول این مدت مرا با همه ریخت و پاش هایم! تحمل و درک نموده و با اعتماد، حمایت و دلگرمی هایشان به من آرامش می دادند.

جناب آقای حسن ولی بیگی، مدیر محترم گروه مطالعات و پژوهش های بازرگانی خارجی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، به خاطر راهنمایی ها و همکاری شان در پیشبرد این رساله.

جناب آقای میرعبدالله حسینی، ناظر محترم موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی که در مسیر تهیه این مجموعه و مقالات منتج از آن، از راهنمایی و پیشنهادات ارزنده دریغ نکردند. از لطفشان سپاسگذارم.

جناب آقای منصور عسگری، که تقاضای من برای راهنمایی فکری و علمی را با سعه صدر پذیرفته و به حق اگر باری ایشان نبود، کار اجرای مدل های این رساله در این مدت زمان اندک، هرگز ممکن نمی بود.

جناب آقای حمیدرضا محبی، که بسیاری از آنچه در این رساله و مقالات منتج از آن آموختم و اجرا نمودم نتیجه زحمات و راهنمایی های ایشان بود. از کمک های بی دریغشان کمال تشکر را دارم.

از سرکار خانم میترا رحمانی، پریسا یعقوبی و جناب آقایان دکتر حمیدرضا اشرف زاده، یوسف حسن پور، مهدی رضایی و حسن ثاقب که منت بر من گذاشته و وقت گرانبهای خود را جهت راهنمایی به اینجانب اختصاص دادند، کمال تشکر را دارم.

از سرکار خانم فاطمه پناهی که در تمامی مراحل انجام طرح و همکاری با موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، همراه و راهنمای من بودند، بسیار سپاسگذارم.

از کلیه اعضای کتابخانه موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران و نمایندگی تام الاختیار تجاری وزارت بازرگانی به خاطر تمام همکاری ها و راهنمایی هایشان متشکرم.

و در پایان از تمامی افرادی که به نوعی در تهیه این رساله مرا یاری کرده اند، تشکر و قدردانی می نمایم. امید است زمانی برای جبران میسر گردد.

چکیده

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی، کشورهای حوزه دریای خزر از دو به پنج کشور افزایش یافته و از آن زمان، این کشورها (شامل آذربایجان، ایران، ترکمنستان، روسیه و قزاقستان) به جهت برخورداری از ذخایر عظیم معدنی، نفت و گاز مورد توجه ویژه جهانیان قرار گرفتند. لذا ایران با درک شرایط جهانی برای همگرایی، منطقه ساحلی دریای خزر را به عنوان حوزه تعامل منطقه ای مورد تاکید قرار داده است و در این میان برآورد پتانسیل تجاری میان آنها، می تواند از الزامات شروع همکاری‌های منطقه ای طولانی مدت باشد.

رساله حاضر، موضوع برآورد پتانسیل تجاری را به عنوان یک فرصت در قالب همگرایی منطقه ای کشورهای حوزه دریای خزر در دو مرحله سنجش امکان گسترش تجارت و برآورد میزان پتانسیل تجاری بالقوه با استفاده از دو روش مرسوم " مدل کسینوس " و " مدل جاذبه " و امکانات این مدل (اقتصاد سنجی با روش داده های تابلویی) برای دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۳، تحلیل و بررسی نموده و اشاره ای نیز به کالاهایی می نماید که ایران بیشترین پتانسیل صادراتی را به کشورهای حوزه دریای خزر داراست.

نتایج مدل کسینوس در راستای تشخیص امکان گسترش تجارت بین ایران و سایر کشورهای ساحلی خزر، نشان می دهد که در میان کشورهای مورد مطالعه، کشور قزاقستان با میانگین شاخص کسینوس ۰/۵۹ و کشور آذربایجان با میانگین شاخص کسینوس ۰/۰۵۷، به ترتیب دارای بیشترین و کمترین درجه اکمال تجاری بالقوه با ایران هستند، بدین معنی که مشابهت ساختار کالاهای صادراتی ایران با ساختار کالاهای وارداتی قزاقستان، بالاتر از سایر کشورهای مورد مطالعه بوده است. در بین این کشورها، قزاقستان بالاترین پتانسیل تجاری با ایران را داشته و زمینه توسعه تجاری ایران با قزاقستان از دیگر کشورهای مورد بررسی بالاتر است. پس از قزاقستان، ترکمنستان در رتبه دوم قرار دارد. روند شاخص کسینوس صادرات ایران با واردات آذربایجان و قزاقستان، در دوره مورد بررسی، افزایشی و با واردات ترکمنستان و روسیه، روندی کاهشی بوده است.

نتایج حاصل از مدل جاذبه در جهت برآورد میزان پتانسیل تجاری بالقوه میان ایران و سایر کشورهای حوزه دریای خزر، حاکی از آن است که وجود همکاریهای اقتصادی منطقه ای بین ایران و این کشورها باعث افزایش قابل ملاحظه جریانات تجاری بین آنها می شود. مطابق یافته های مدل جاذبه، بیشترین صادرات ایران در دوره ۲۰۰۷-۲۰۰۳ به ترتیب به کشورهای روسیه، ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان بوده است. بیشترین پتانسیل صادراتی ایران در میان کشورهای حوزه دریای خزر به روسیه و کمترین پتانسیل به کشور آذربایجان تعلق دارد. بیشترین ظرفیت صادراتی استفاده نشده ایران در میان کشورهای حوزه دریای خزر، به ترتیب به قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ترکمنستان تعلق دارد. بیشترین درصد ظرفیت استفاده نشده ایران نیز به کشور قزاقستان (۹۵/۱۴ درصد) و کمترین ظرفیت استفاده نشده به ترکمنستان (۴۷/۲۱ درصد) تعلق داشته است. در مجموع، پتانسیل صادرات ایران به کشورهای ساحلی خزر ۶/۷۹ میلیارد دلار بوده که از این رقم تنها ۱/۹۴ میلیارد دلار آن

استفاده گردیده است. از نظر این چهار معیار (صادرات موجود، پتانسیل صادراتی، ظرفیت صادراتی استفاده نشده و درصد ظرفیت استفاده نشده از پتانسیل صادراتی)، هر چهار کشور روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان گزینه های مناسبی جهت گسترش همکاری های تجاری در قالب ایجاد سازمان همکاری های اقتصادی کشورهای ساحلی دریای خزر می باشند.

واژگان کلیدی: پتانسیل تجاری ، کشورهای ساحلی دریای خزر ، شاخص کسینوس ، الگوی جاذبه ، همگرایی اقتصادی ، داده های تابلویی

فهرست مطالب

عنوان.....صفحه

فصل اول: کلیات

مقدمه.....	۱۳
۱-۱- بیان مسئله و اهمیت موضوع.....	۱۴
۲-۱- هدف از پژوهش.....	۱۷
۳-۱- فرضیه ها و سوالات تحقیق.....	۱۷
۴-۱- روش تحقیق.....	۱۸
۵-۱- قلمرو تحقیق.....	۱۸
۶-۱- روش گردآوری داده ها و اطلاعات.....	۱۸
۷-۱- محدودیت های تحقیق.....	۱۹
۸-۱- شرح مفاهیم، اصطلاحات و متغیرهای به کار رفته در تحقیق.....	۱۹
۹-۱- فصول تحقیق.....	۲۰
۱۰-۱- علت نامگذاری دریای شمال ایران به نام "خزر" در این پژوهش.....	۲۱

فصل دوم: ادبیات نظری و تجربه های منطقه گرایی

مقدمه.....	۲۳
۱-۲- مفهوم منطقه گرایی و اشکال و سطوح همگرایی منطقه ای.....	۲۴

۲۸.....	۲-۲- پیشینه شکل گیری و مسیر تکامل ترتیبات تجاری منطقه ای.....
۳۱.....	۳-۲- مولفه ها و پیش زمینه های منطقه ای.....
۳۱.....	۲-۳-۱- جغرافیا.....
۳۱.....	۲-۳-۲- اندازه اقتصاد.....
۳۲.....	۲-۳-۳- عزم و اراده سیاسی.....
۳۲.....	۲-۳-۴- مشترکات فرهنگی.....
۳۳.....	۲-۴- آثار اقتصادی منطقه گرایی.....
۳۴.....	۲-۵- انگیزه های غیر اقتصادی همگرایی منطقه ای.....
۳۴.....	۲-۵-۱- ثبات و امنیت منطقه ای.....
۳۶.....	۲-۵-۲- انگیزه تثبیت اصلاحات.....
۳۶.....	۲-۵-۳- افزایش قدرت چانه زنی.....
۳۷.....	۲-۶- شاخص ها و شرایط کسب موفقیت همگرایی منطقه ای.....
۳۷.....	۲-۶-۱- شاخص های موفقیت و کارآمدی منطقه گرایی.....
۳۹.....	۲-۶-۲- شرایط موفقیت همگرایی منطقه ای.....
۴۰.....	۲-۷- منطقه گرایی و چند جانبه گرایی؛ مانع یا مکمل.....
۴۲.....	۲-۸- بررسی چند ترتیب تجاری منتخب.....
۴۲.....	۲-۸-۱- سازمان همکاری های اکو.....
۴۴.....	۲-۸-۲- گروه دی - هشت.....
۴۵.....	۲-۸-۳- سازمان کنفرانس اسلامی.....
۴۶.....	۲-۹- نگرش سازمان جهانی تجارت به ترتیبات تجاری منطقه ای.....

۴۹.....	۱۰-۲-عضویت کشورهای حوزه دریای خزر در سازمان های بین المللی.....
۵۱.....	۱۱-۲- جمع بندی.....

فصل سوم: ادبیات نظری مدل های جاذبه و کسینوس و کاربرد آنها در مطالعات تجربی

۵۵.....	مقدمه.....
۵۶.....	۱-۳- روش های برآورد پتانسیل تجاری؛ امکان تجارت بالقوه.....
۵۶.....	۱-۱-۳- فرضیه تجارت لیندر.....
۵۷.....	۲-۱-۳- روش فینگر و کرینین.....
۵۷.....	۳-۱-۳- روش کسینوس.....
۵۸.....	۲-۳- مروری بر برخی مطالعات انجام گرفته با استفاده از روش کسینوس.....
۵۹.....	۳-۳- روش های برآورد اندازه پتانسیل تجاری؛ میزان تجارت بالقوه.....
۶۰.....	۱-۳-۳- روش های برآورد پتانسیل تجاری با استفاده از مقایسه برداری صادرات و واردات متقابل زوج کشورها.....
۶۱.....	۲-۳-۳- روش انتقال سهم.....
۶۲.....	۳-۳-۳- مدل جاذبه.....
۶۷.....	۴-۳- مروری بر برخی مطالعات انجام گرفته با استفاده از مدل جاذبه.....
۷۴.....	۵-۳- جمع بندی.....

فصل چهارم: مروری اجمالی بر اوضاع اقتصادی - بازرگانی کشورهای حوزه دریای خزر

۷۶.....	مقدمه.....
۷۷.....	۱-۴- محیط جغرافیایی و جمعیتی کشورهای حوزه دریای خزر.....
۷۷	۱-۱-۴- اوضاع جغرافیایی.....
۷۸.....	۲-۱-۴- اندازه جمعیت.....
۷۹.....	۲-۴- شاخص توسعه انسانی کشورهای حوزه دریای خزر.....
۸۱.....	۳-۴- شاخص های اقتصادی و کلان کشورهای حوزه دریای خزر.....
۸۱.....	۱-۳-۴- اندازه اقتصاد کشورها.....
۸۳.....	۲-۳-۴- درآمد سرانه کشورها.....
۸۴.....	۳-۳-۴- ساختار اقتصادی کشورها.....
۸۵	۴-۴- جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی.....
۸۸	۵-۴- بررسی شاخص آزادی اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر.....
۹۰	۶-۴- اندازه تجارت و توسعه بخش خارجی اقتصاد.....
۹۰.....	۱-۶-۴- اندازه تجارت کشورهای حوزه دریای خزر با جهان
۹۲.....	۲-۶-۴- اندازه تجارت کشورهای حوزه دریای خزر با ایران.....
۹۳.....	۳-۶-۴- اندازه تجارت درون گروهی کشورهای حوزه دریای خزر.....
۹۳.....	۱-۳-۶-۴- صادرات درون گروهی.....

۹۴.....	۴-۶-۳-۲-واردات درون گروهی.....
۹۵.....	۴-۶-۳-تراز تجاری درون گروهی.....
	۴-۶-۴-سهم تجارت کالایی کشورهای حوزه دریای خزر به تفکیک گروه های کالایی اصلی.....۹۶
۹۸.....	۴-۷-بررسی درجه باز بودن اقتصاد کشورهای حوزه دریای خزر.....
	۴-۸- بررسی ریسک عمومی و اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر.....۹۹
۱۰۱.....	۴-۹-مهمترین تولیدات، صادرات، واردات و شرکای عمده تجاری کشورهای حوزه دریای خزر.....
۱۰۴.....	۴-۱۰-جمع بندی.....

فصل پنجم: مطالعه اجمالی پیرامون سیاست های تجاری کشورهای حوزه دریای خزر

۱۱۰.....	مقدمه.....
۱۱۱.....	۵-۱-سیاست های تجاری.....
	۵-۱-۱-محدودیت های تعرفه ای.....۱۱۱
	۵-۱-۲-محدودیت های غیر تعرفه ای.....۱۱۲
۱۱۵.....	۵-۲-دلایل وجود محدودیت های غیر تعرفه ای.....
۱۱۵.....	۵-۲-۱-عمده ترین دلایل وجود ممنوعیت ورود برخی کالاها.....

۱۱۵.....	۲-۲-۵- عمده ترین دلایل اعمال محدودیت برای ورود برخی کالاها.....
۱۱۶.....	۳-۵- سیاست تجاری کشورهای حوزه دریای خزر در سال های اخیر.....
۱۱۶.....	۱-۳-۵- ایران.....
۱۱۹.....	۲-۳-۵- قزاقستان.....
۱۲۱.....	۳-۳-۵- آذربایجان.....
۱۲۲.....	۴-۳-۵- ترکمنستان.....
۱۲۳.....	۵-۳-۵- روسیه.....
۱۲۵.....	۴-۵- ساختار کلی نظام تعرفه ای کشورهای حوزه دریای خزر.....
۱۳۱.....	۵-۵- بررسی نرخ تعرفه و میزان واردات کشورهای حوزه دریای خزر بر حسب گروه های کالایی
۱۳۶.....	۶-۵- جمع بندی.....

فصل ششم: بررسی درجه اکمال تجاری بین ایران و سایر کشورهای حوزه دریای خزر

(بکارگیری "مدل جاذبه" و "روش کسینوس")

۱۴۰.....	مقدمه.....
۱۴۰.....	۱-۶- شاخص کسینوس بردار صادرات ایران و بردار واردات سایر کشورهای حوزه دریای خزر.....
۱۴۲.....	۲-۶- تصریح مدل جاذبه در برآورد پتانسیل صادراتی ایران به کشورهای حوزه دریای خزر.....

۳-۶- بررسی وضعیت فعلی و بالقوه صادرات ایران به کشورهای حوزه دریای

خزر..... ۱۴۸

۳-۶- جمع بندی ۱۵۱

فصل هفتم: نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

مقدمه..... ۱۵۶

۱-۷- جمع بندی و نتیجه گیری..... ۱۵۷

۲-۷- توصیه های سیاستی..... ۱۶۸

منابع و مأخذ

الف- فارسی ۱۷۱

ب- انگلیسی..... ۱۷۵

فهرست جداول

عنوان..... صفحه

۲۷	جدول (۱-۲) نام و مشخصات هر یک از سطوح همگرایی.....
۴۹	جدول (۲-۲) عضویت کشورهای حوزه دریای خزر در سازمان های بین المللی.....
۷۷	جدول (۱-۴) ویژگی های عمومی کشورهای حوزه دریای خزر.....
۷۸	جدول (۲-۴) جمعیت و نرخ رشد جمعیت کشورهای حوزه دریای خزر.....
۷۹	جدول (۳-۴) شاخص توسعه انسانی کشورهای حوزه دریای خزر به تفکیک اجزاء.....
۸۲	جدول (۴-۴) عملکرد اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر.....
۸۴	جدول (۵-۴) ساختار اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر.....
۸۶	جدول (۶-۴) جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای حوزه دریای خزر.....
۸۸	جدول (۷-۴) شاخص آزادی اقتصادی و نماگرهای آن برای کشورهای حوزه دریای خزر.....
۹۰	جدول (۸-۴) اندازه تجارت و تراز تجاری کشورهای حوزه دریای خزر (۲۰۰۳-۲۰۰۹).....
۹۲	جدول (۹-۴) اندازه تجارت کشورهای حوزه دریای خزر با ایران (۲۰۰۳-۲۰۰۹).....
۹۳	جدول (۱۰-۴) صادرات درون گروهی (۲۰۰۳-۲۰۰۷).....
۹۴	جدول (۱۱-۴) واردات درون گروهی (۲۰۰۳-۲۰۰۷).....
۹۵	جدول (۱۲-۴) تراز تجاری درون گروهی (۲۰۰۳-۲۰۰۷).....

جدول(۴-۱۳) سهم تجارت کالایی کشورهای حوزه دریای خزر به تفکیک گروه های کالایی اصلی.....	۹۶
جدول(۴-۱۴) بررسی درجه باز بودن اقتصاد کشورهای حوزه دریای خزر.....	۹۸
جدول(۴-۱۵) میزان و رتبه ریسک کشورهای حوزه دریای خزر.....	۹۹
جدول(۴-۱۶) پیش بینی ریسک کشورهای حوزه دریای خزر برای پنج سال آینده.....	۱۰۰
جدول(۴-۱۷) مهمترین منابع طبیعی، محصولات کشاورزی، صنایع، اقلام تجاری و شرکای عمده تجاری کشورهای حوزه دریای خزر.....	۱۰۲
جدول(۵-۱) ساختار کلی نظام تعرفه در کشورهای حوزه دریای خزر(۲۰۰۹).....	۱۲۵
جدول(۵-۲) سهم خطوط تعرفه ای بالاتر از سه برابر میانگین و بالاتر از ۱۵٪ کشورهای حوزه دریای خزر.....	۱۲۷
جدول(۵-۳) وضعیت محدوده نرخ های تعرفه کشورهای حوزه دریای خزر(۲۰۰۹).....	۱۲۹
جدول(۵-۴) نرخ تعرفه و سهم از واردات گروه های کالایی در واردات کشورهای حوزه دریای خزر.....	۱۳۳
جدول(۶-۱) شاخص کسینوس بردار صادرات ایران و بردار واردات سایر کشورهای حوزه دریای خزر.....	۱۴۰
جدول(۶-۲) نتایج حاصل از برآورد مدل جاذبه به روش اثرات تصادفی.....	۱۴۳
جدول(۶-۳) پتانسیل صادراتی ایران به کشورهای حوزه دریای خزر(۲۰۰۷-۲۰۰۳).....	۱۴۶
جدول(۶-۴) کالاهای عمده صادراتی ایران به کشورهای حوزه دریای خزر(۲۰۰۹).....	۱۴۷
جدول(۶-۵) کالاهای عمده دارای پتانسیل صادراتی بالقوه ایران به کشورهای حوزه دریای خزر	
.....(۲۰۰۷-۲۰۰۳)	۱۴۹

فصل اول

کلیات

مقدمه

در چند دهه گذشته، اقتصاد جهانی شاهد آزادسازی های قابل توجهی در روابط تجاری بوده است و در این راستا موافقت نامه های تجاری منطقه ای با انواع و اشکال مختلف افزایش یافته اند که این روند، سهم بسزایی در روند آزادسازی های جهانی داشته است.

در این میان ترتیبات تجاری منطقه ای بخصوص در میان کشورهای که تاکنون در هیچ ترتیب تجاری منطقه ای عضو نبوده اند، به شدت رو به افزایش گذاشته است. این ترتیبات با ایجاد امکاناتی همچون ترتیبات تجاری ترجیحی، آزاد سازی و تسهیل ترانزیت، حذف روادید و... منطقه خود را بهبود بخشیده اند. استفاده از این ابزارها ممکن است با یک یا چند هدف از جمله دنبال کردن منافع اقتصادی، انگیزه های سیاسی و اجتماعی، نگرانی از انزوا در محیط بین المللی، حمایت از صنایع نوپا و تثبیت اصلاحات اقتصادی انجام گیرد.

با توجه به تغییرات قابل توجه مناسبات و جهت گیری های تجاری میان کشورهای، اهمیت روند آزاد سازی و همگرایی اقتصادی میان کشورهای یک منطقه جغرافیایی همچون دریای خزر که منافع مشترک در پی خواهد داشت، بیش از پیش پررنگ می شود.

در زمینه بررسی های مربوط به منطقه گرایی، مطالعات گوناگونی در مناطق مختلف جهان انجام گرفته است. از مهمترین مطالعات در این زمینه می توان به مطالعات مارک هریس و لازلو ماتیاس^۱ (۱۹۹۸)، تیوپاس^۲ (۲۰۰۰)، زاروز^۳ (۲۰۰۲)، کلوم^۴ (۱۹۹۵)، سولوگا^۵ (۱۹۹۹)، لموتی^۶ (۲۰۰۲)، حسن زاده (۱۳۸۲)، کریمی، زهره (۱۳۷۷) طاهری (۱۳۸۲)، مطالعه دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (۲۰۰۲)، ... اشاره کرد.

و نیز می توان به مطالعاتی همچون کار انجام شده توسط رحمانی (۱۳۷۶) در بررسی آثار یکپارچگی بین کشورهای اکو (مدل جاذبه)، مطالعه کریمی در بررسی جریان های تجاری دوجانبه ایران برای حضور در یکپارچگی شورای همکاری خلیج فارس (مدل جاذبه)، مطالعه طیبی و طاهری در بررسی امکان یکپارچگی تجاری در سطح اتحادیه هایی که ایران در آنها حضور دارد (مدل جاذبه)، بررسی معلمی در تحلیل همگرایی اقتصادی آسه آن (مدل جاذبه) و کار انجام شده توسط آتیکن که به بررسی تاثیر تشکیل افتا روی جریان های تجاری دوجانبه اعضا پرداخته است (مدل جاذبه) و یا مطالعه آرنون، اسپوواک و وین بلت^۷ در مقایسه پتانسیل تجاری بین اسرائیل، فلسطین و اردن (مدل جاذبه) اشاره کرد.

^۱ Matyas, L And Haris, M (۱۹۹۸)

^۲ Paas Tiiu (۲۰۰۰)

^۳ Zaroso, I. M. (۲۰۰۲)

^۴ Callum, M. (۱۹۹۵)

^۵ Sologoa (۱۹۹۹)

^۶ Lamotte, D. (۲۰۰۲)

^۷ Arnon, Spivak and Weinblatt (۱۹۹۵)

در مطالعات اشاره شده در بالا با روش جاذبه، معیار کسینوس، درجه تشابه و تکمیل تجاری و روش های مرسوم دیگر، به بررسی های گوناگونی پیرامون امکان همگرایی تجاری کشورها، بررسی میزان تجارت بالقوه میان کشورهای مختلف، آثار همگرایی تجاری و ... پرداخته شده است، حال آنکه هیچگونه مطالعه ای در رابطه با برآورد پتانسیل تجاری کشورهای حوزه دریای خزر انجام نگرفته است. با وجود پتانسیل های موجود میان کشورهای ساحلی دریای خزر و مشترکات فراوان میان این کشورها (همچون فرهنگ، نزدیکی جغرافیایی، اندازه اقتصاد...) بررسی موضوع حاضر و استفاده از نتایج آن الزامی به نظر می رسد.

لذا هدف این پژوهش، بررسی امکان گسترش تجارت و برآورد میزان پتانسیل تجاری میان ایران و دیگر کشورهای ساحلی خزر در جهت تسهیل و گسترش روابط تجاری میان این کشورها، رهایی از انزوای تجاری در منطقه مورد بررسی، استفاده از مزیت های نسبی یکدیگر و افزایش سود مشترک آزاد سازی تجاری می باشد.

در فصل حاضر، ابتدا به تشریح اهمیت موضوع پرداخته می شود، سپس به طور خلاصه به هدف پژوهش، سوالات و فرضیه های تحقیق پرداخته می شود. ضمن توضیحاتی در مورد روش انجام تحقیق، قلمرو مکانی و زمانی آن و نیز روش جمع آوری داده ها و اطلاعات بیان می شود. و در پایان، برخی محدودیت های پیش روی پژوهش حاضر بیان و توضیح اندکی در رابطه با واژگان ناآشنای تحقیق جهت اطلاع استفاده کنندگان ارائه خواهد شد.

۱-۱- بیان مسئله و اهمیت موضوع

ترتیبات تجاری منطقه ای در میان کشورهای جهان در دهه های اخیر بطور قابل ملاحظه ای رو به افزایش گذاشته و در حال حاضر به ندرت می توان کشوری را یافت که از این ترتیبات بی بهره باشد. طولانی شدن آخرین دور مذاکرات موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت، کشورها را تشویق به ایجاد همکاری های منطقه ای به عنوان جایگزینی برای جهانی شدن کرد. چرا که آزاد سازی به شیوه منطقه گرایی کم هزینه تر و قابل دسترس تر از جهانی شدن می باشد. از طرف دیگر می توان منطقه گرایی را به عنوان میدان آزمایش اولیه ای برای ورود کشورهای در حال توسعه درون گرا به صحنه رقابت های بین الملل دانست.

شاید بتوان یکی از دلایل عمده گسترش روز افزون موافقتنامه های تجاری منطقه ای^۱ را مرتبط با آثار و نتایج مثبت آزادسازی تجاری بر رشد تجارت دانست. برای کشورهایی که آمادگی لازم را در اجرای آزادسازی تجاری نداشته اند، حضور در موافقت نامه های تجاری دو یا چند جانبه به عنوان بهینه دوم همواره مد نظر سیاستگذاران قرار داشته است. انتخابی که سازمان جهانی تجارت^۲ نیز آن را تحت شرایط خاصی تایید می نماید.^۱

^۱ Regional Trade Agreements(RTAs)

^۲ World Trade Organization(WTO)

چنانچه تجربه های منطقه گرایی نشان داده اند، منطقه گرایی در میان کشورهای توسعه یافته با موفقیت، در میان گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با موفقیت نسبی و در میان گروه کشورهای در حال توسعه غالباً با عدم موفقیت همراه بوده است.

بدون شک یکی از مهمترین آثار تحول ساختاری پدیده جهانی شدن اقتصاد، ایجاد وابستگی جهانی و پیدایش یک دهکده اقتصاد جهانی است. با توجه به روند رو به گسترش این پدیده نوین و لزوم حضور گسترده تر کشورها در صحنه های بین المللی، همکاری های منطقه ای نقش کشورها را در عرصه رقابت پذیری بین المللی به طور موثری نمایان می سازد.

عوامل و انگیزه های متعددی برای منطقه گرایی قابل ذکر است. یکی از دلایل رو آوردن کشورها به منطقه گرایی، امکان دسترسی آسانتر به فرصت های موجود در بازار جهانی است. این پدیده می تواند موثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصاد های ملی و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد. منطقه گرایی عمده ترین نوع یکپارچگی در سطح جهان است و تشکیل اتحادیه اقتصادی در عمل کامل ترین نوع یکپارچگی است که در آن اعضاء به کاهش موانع بر سر راه تجارت اقدام می نمایند. یکی از ابتدائی ترین اشکال ترتیبات تجاری منطقه ای، "موافقتنامه های تجارت ترجیحی"^۱ است که شرکت کنندگان در چنین ترتیباتی به کاهش موانع تجاری، شامل تعرفه ها و موانع غیر تعرفه ای در ارتباط با همه و یا بخشی از تجارت یکدیگر اقدام می نمایند.

اهمیت یکپارچگی بخصوص در کشورهای در حال توسعه که تا آزاد سازی تجارت خود راه درازی را در پیش دارند، روز به روز در نقاط مختلف جهان افزایش می یابد. کشورها با ایجاد زیر ساخت های مناسب می توانند از منافع یکپارچگی اقتصادی که همانا صرفه های ناشی از مقیاس، افزایش تجارت چه در داخل طرح یکپارچگی و چه با دنیای خارج و ... می باشد، بهره مند شوند. پیروی از الگوی همکاری منطقه ای مزایای احتمالی زیر را به همراه دارد:

- گسترش بازارها و کسب سود از طریق شیوه های صحیح اقتصادی
- استفاده از منابع مکمل کشورها
- افزایش میزان رقابت
- ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری در پروژه های مختلف اقتصادی
- استفاده بهینه از منابع اقتصادی دیگر کشورها
- ایجاد همبستگی، اعتماد و همکاری بین کشورها

^۱ WTO در ماده XXIV چنین آورده است: از آنجا که هدف موافقتنامه های تجاری منطقه ای تسهیل تجارت جهانی می باشد، چنین موافقتنامه هایی باید هدفشان کاهش موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای بین اعضاء باشد، آنکه موانع تجاری بین اعضا با کشورهای غیر عضو را افزایش دهند.

^۲ Preferential Trade Agreement(PTA)

▪ مزایای دیگر از قبیل وابستگی کمتر به قدرت های مداخله گر، افزایش قدرت چانه زنی، ثبات و امنیت بیشتر در رفتار با سایر کشورها

کشورهای حوزه دریای خزر که در این تحقیق مورد بررسی می باشند، از تنوع محیطی، اقتصادی و فرهنگی ارزشمندی برخوردارند؛ که بطور خلاصه، قابلیت های توسعه کشورهای حوزه دریای خزر را می توان به شرح زیر بر شمرد:

روسیه: مهمترین قابلیت های توسعه روسیه عبارتست از تنوع آب و هوایی، گستردگی زمین های حاصلخیز و آب فراوان، داشتن جنگلهای گسترده و انبوه، معادن غنی و کانسارهای استراتژیک، ذخایر بزرگ نفت و گاز (یکی از بزرگترین تولید کنندگان نفت و گاز جهان)، برخورداری از قدرت هسته ای بالا و قابلیت های گردشگری بسیار، تولید زیاد اورانیوم، مس، منیزیم، سنگ آهن، الماس، نیکل، قلع و دیگر فلزات مهم و استراتژیک.

آذربایجان: برخورداری از خطوط ارتباطی ریلی و جاده ای به نسبت خوب، موقعیت مناسب ارتباطی میان غرب و جنوب آسیا، ذخایر قابل توجه نفت و گاز، پتانسیل بالای کشاورزی، برخورداری از ذخایر قابل توجه سرب، روی، آهن، جیوه، نقره، مس، آلومینیم و ...

ترکمنستان: برخورداری از موقعیت ارتباطی مناسب که آن را به آسیای مرکزی و ایران پیوند می دهد و داشتن ذخایر معدنی غنی، از جمله معادن نفت و گاز، سولفات، گوگرد، آهک، روی، مس، جیوه و ...

قزاقستان: گستردگی سرزمین و برخورداری از قابلیت بالای کشاورزی و منابع آبی و خاکی فراوان، قدرت هسته ای بالا، منابع بزرگ نفت و گاز و شبکه های زیر بنایی و ...

ایران: تنوع اقلیمی، گستردگی سرزمین، منابع عظیم نفت و گاز، منابع غنی معدنی، از جمله معادن سنگ آهن، منگنز، مس و... برخورداری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، نیروی کار ارزان، موقعیت ممتاز ارتباطی از دریای خزر تا خلیج فارس، پتانسیل بالای گردشگری و...

افزون بر اینها، دسترسی کشورهای منطقه به مهمترین ذخایر انرژی جهان و بازارهای مصرف چند میلیارد نفری منطقه ای می توانند بسترهای مناسبی برای پیشرفت آنها پدید آورد.

کشورهای حوزه دریای خزر با در اختیار داشتن ظرفیت های بالقوه قابل توجه مدتهاست که در مسیر تجارت گام نهاده اند. نظر به اینکه پیوستن کشورهایی که دارای استعداد، انگیزه و هماهنگی بیشتری برای همکاری اقتصادی و توسعه تجارت هستند، عملی ترین راه برای تحقق هدف نهایی "توسعه پایدار منطقه ای" است، لذا ایجاد ترتیبات تجارت ترجیحی بین کشورهای حوزه دریای خزر می تواند شروعی باشد در جهت توسعه تجارت و گسترش همکاری های اقتصادی مشترک بویژه دسترسی به این بازار عظیم برای کالاهای جدید صادراتی ایران.